

پیشینه تاریخی اسماعیلی ها در بدخشان

باورهای مردم در این خصوص

قرار روایات و گفته های که بین شیعیان بدخشان موجود است، آنها به این باور اند که زمانی که حضرت علی جهت (تسخیر قلعه های آتش پرستان) و سرکوبی قهقهه آتش پرست که مقرر حاکمیت آن در آغاز دره ای «واخان» و در نزدیکی شرق «اشکاشم» قرار دارد، آمده بودند و آنجا را فتح کردند، مردم همه آن مناطق به دین اسلام مشرف گردید. (۴۱)

و هم شیعیان بدخشان به باور دیگر چنین میپندارند زمانی که حضرت علی ازده های هفت سر «حوض بازگیر» محل واقع در میانه راه «زیباک» و «اشکاشم» را کشت، مردم آنجا مسلمان شده و از همان زمان دوستدار علی یعنی «شعیه» هستند. خرابه قلعه ای «قهقهه» هنوز هم در محل وجود دارد و به «قلعه قهقهه» مشهور است و میگویند قلعه مشابهی دیگری در آنسوی دریا در خاک تاجکستان وجود دارد، که میگویند از خواهر «قهقهه» است. «حوض بازگیر» نیز با کوه های سرخ شده از خون ازدها در «زیباک»، «اشکاشم» و همه بدخشان مشهور است. (۴۲)

شیعیان اسماعیلی در دهه پایانی قرن سوم هجری در دوره سامانی ها در بدخشان فعال بوده ، و دامنه دعوت آنها اوج گرفته بود.

دعوت گران و فعالان اسماعیلی

حسین بن علی مروزی یکی از فعالان اسماعیلی در دستگاه سامانی که منصب بزرگ داشت در شکل و دعوت اسماعیله نقش بارز داشته و بعد از آن محمد نخشی ، بلعمی وزیر و رودکی و... در گسترش مذهب اسماعیلی در مناطق مختلف از جمله در بدخشان ، غور و غزنه موثر بوده اند به گفته ایوانف که تالیفات زیادی در باره اسماعیلیه دارد ، از بدخشان به عنوان یک جزیره مسقیل اسماعیلی یاد میکند و مارشال هاجستن تقسیم بندی جزیره اسماعیلی بدخشان را نیز اذعان میدارد و احتمال میدهد که این تقسیم بندی مدت دراز دوام نداشته است.

به اثر فدا کاریها و تلاش پیگر بلعمی و محمد نخشی (احمد نسفی) امیر نصر سامانی دعوت آنها را پذیرفته و مذهب اسماعیلی را قبول کرد. این رویداد در بدخشان باعث گسترش فعالیتهاي مذهبی اسماعیلیان شده و مراکز متعدد دعوت ایجاد شد درین باره یکی از ترکان متعصب ، نظام الملک

وزیر ملک شاه سلجوقی که با اسماعیلیان همیشه جنگید و به وسیله یکی از فدایان الموت کشته شد ، در کتاب سیاستنامه چنین مینویسد:

" در جمله کار به جایگاهی رسید که نصر احمد دعوت او را اجابت کرد و محمد نخشی (احمدنسفی) چنان مستولی گشت که وزیر انگیز و وزیر نشان شد و پادشاه آن کرد که او گفتی " (۴۳)

سرکوب اسماعیلی ها

اسماعیلیان در دوره غزنویان با سرکوب شدید و بی سابقه مواجه شدند تحقیر و ارباب آنها آشکارا اعمال میشد . و از تمام حقوق و حمایت‌های قانونی بر خوردار نبودند محمود بسیاری از اسماعیلیانی شهر ری را به دار زد و با تکفیر آنها در غور ، به شدت و خشونت کشتار آنها را فرمان داد .

دستگاه حاکمان غزنه، اسماعیلیان را قرمطی می‌گفتند محمود غزنوی که دشمنی زیادی به اسماعیلی ها داشت می‌گفت: (انگشت گرد جهان کرده ام و قرمطی می‌جویم) بدخشان تا اندازه از جفاکاری‌های سلطان غزنه در امان مانده بود و گروه‌های اسماعیلی مناطق دیگر که از ترس محمود آواره شده بودند ، را در آغوش گرفت در دوره های غوریان و خوارزم شاهان وضع اسماعیلیان بدخشان نسبت به دوره غزنوی اندکی بهبود یافته و آنها شیوه دعوت خود را تغییر داده و بگونه مخفی (زیرزمینی) به حیات خود ادامه میدادند.

در دوره مغلها ، اسماعیلی ها آسیب فراوان دیدند و مراکز قدرت آنها در الموت توسط هلاکوخان مغل از هم باشید و شمار زیادی از آنها قتل عام و معصومانه شهید شدند، در لشکر کشی های مغل بدخشان از اشغال آنها مصون مانده بود ، و یگانه پناهگاه شد برای اسماعیلیان و گنجینه شد برای آثار آنها .

در دوره تیموری اسماعیلی ها مورد آزار و اذیت قرار گرفتند و از شیوه پنهان کاری که الگویی مبارزه آنها شده بود خود را در زی صوفیانه در آوردند که این روند تا سده های پسین ادامه یافت که اسماعیلیان با دریغ و درد فراوان از این رویداد خیلی ها متاثر شدند، زیرا چنین شیوه پنهان کار که در طی چندین سده تکرار شد نسل‌های جدید به وجود آمد که آداب و رسوم و عقاید اسماعیلی را فراموش کرده و از آن بیگانه شدند.

در دوره حاکمیت (میرهای) بدخشان ، اسماعیلی ها وضعیت چندان خوبی نداشتند ، شرایط خفقان و استبداد و سرکوب جمعی آنها که نسل به نسل انتقال یافته ، گواه بر آنست که سرکوب اسماعیلی ها در این دوره بی سابقه بوده و به وحشیانه ترین وجه مورد تعقیب و آزار و اذیت قرار

داشتند و حتی قتل عام میشدند ، مثل معروف (ریگ را در رسن آب را در کجاوه) (۴۴) هنوزم در خاطر مردم آنجا از دوره تلخ میرها باقیست.

در دوره ای عبدالرحمن که او به ستمکاری معروف شده و در استبداد از دیگر ظالمان و ستمگران سبقت جسته به شعیه های اسماعیلی بدخشان از استبداد مضاعف کار گرفته و بزرگترین خیانت تاریخی را در حق آنها انجام داده است.

قسمت های از سرزمین پهناور اسماعیلی ها در تعیین خط مرزی به چار کشور تقسیم شد ، قسمت بیشتر آن به روس ها واگذار شده و یک قسمتی هم نزد انگریزها (انگلیس) ها و بخش در شرق مربوط کشور چین شد. و باقیمانده به کشور ما تعلق گرفت که دهلیز واخان خط حایل بین ابر قدرتها واقع شد.

اسماعیلیان که تمام مصیبت ها ، رنجها را بگونه جمعی تحمل کرده بودند در ین دسیسه شومی اسکتبار از هم جدا شده اند ، اما آرزوها ، دردها و رنجهای آنها در چار سوی سرحد هنوزم هم مشترک باقی مانده است.

اسماعیلیان بدخشان بعد از ناصر خسرو

ناصر خسرو در دوره ای زنده گی اش در بدخشان و ماورای آن یاران ، دوستان و پیروان فراوان داشت، شخصیت های بزرگی چون امیر شمس الدین علی بن اسد امیر مستقیل بدخشان خواجه بشیر ، سید سهراب، بابا حیدری، خواجه سلمان ، محمد، آفاق پروازی ، کیو بن کیوبن کیکاووس ، سید محمد مدنی، احمد دیوانه ، حمید الدین ضریری و ملک جهان شاه ، شاه سید محمد محمدت ، شاه طالب سرمست و ابوسعید برادر حکیم و چهل قلندر در سفر ها ، دعوت ها و مبارزات حکیم همیشه در خدمت او بودند عده این دانشمندان از دیگر مناطق فرار کرده و در بدخشان پناهنده بودند که چهره های چون محمد علوی ، و بابا حیدری که از استان یزد آمده بودند نیز موجود بود. وظایف و مسولیتها در بین یاران حکیم تقسیم بود، سید سهراب و ملک جهان شاه مسول تبلیغ و دعوت سید محمد مدنی مسول گروه قلندران ، سید محمد محمدت مسول ابدالان ، بابا آفاق محمد پروازی و احمد دیوانه را وظایف مشخص دیگری داده بود و امیر شمس الدین علی بن اسد به وظایف رسمی (دولتداری) طبق گذشته توظیف بود.

تاکید بیشتر که ناصر برای یارانش داشت روی شبکه های زیر زمینی (مخفی) بود، این شبکه از فعال ترین دعوتگران مذهبی بودند، افراد نخبه ، و برجسته در آن گماریده میشدند، و رهبری آن بدوش یکی از آزموده ترین یاران ناصر ، تحت نظر مستقیم او فعالیت میکرد.

دستگاه های زیر زمینی (مخفی) را هکاری بود، که قبل از ناصر خسرو نیز در نهضت اسماعیله جریان داشت ، و افراد آن حتا تا عمق دربار های سلطنتی و امارتی مخالفین شان راه یافته بودند. شیوه آنها ، بگونه بود که علاوه از آن که خود شان شناخته نمیشدند و همیشه (تقیه) میکردند آنانی را که تازه دعوت میکردند نیز توصیه میکردند تا مساعد شدن اوضاع به گونه مخفی زنده گی کنند. این روند یکی از آموزه های بسیار جالب و در حین حال با اهمیت اسماعیلیان است که در تمام دوره توسعه فکری آنها بشمول دوره ناصر خسرو وجود داشته و از آن زمان تا اکنون در میان مسلمانان اسماعیلی به همان قوت و صلابت پایدار باقیمانده است.

برای شخصیت های مهم ، از جمله نویسنده گان ، شعرا دولتمردان ، تجار، کسبه کاران..... که در محیط اغتناق زنده گی میکردند ، شیوه این بود در صورت آنها لازم بدانند باید(تقیه) داشته باشند که در مجموع تاریخ اسماعیلیان از شخصیت های بزرگی یاد آوری میکند که مذهب اسماعیلی را پذیرفته بودند و مخفیانه زنده گی میکردند و آشکار کردن خود را که باعث به خطر انداختن جان آنها بود صلاح ندانسته و همواره در خفا زنده گی کردند.

شعرا و نویسنده گان، اهداف خود را به احتیاط و وقت لازم در قالب تشبیه واستعارات و تمثیلات آورده. و بیان نظر و عقاید فکری خود را در آن جا گزین میکردند نمونه آنرا میتوان در اشعار که به (زه) صوفیانه سروده شده و در مجموعه رسایل اخوان الصفا..... و چا های دیگر سراغ کرد.

بعد از رحلت حضرت ناصر، پیروان او به همان شیوه که ناصر گذاشته بود عمل کرده ، تحت نظریاران وهمکاران او حتی در طوفانی ترین برهه های تاریخ هزار ساله بر استواری خویش تکیه زده و درس مقاومت آموختند ، که ثابت قدمی آنها در مذهب ، گواینامه و شهادت خوبی پایمردی ،اخلاص و صداقت آنها است.

طریقه ناصر خسرو يك (مکتب) تربیتی است ، همه بدخشانی ها اسماعیلی به ویژه روشنفکران سخت به این مکتب دلبنده هستند و به آن فخر میکنند و آنرا رهگشای مشکلات خود میدانند.

ادای احترام به ناصر خسرو

افزون بر آن که ، ناصر خسرو نایب امام وقت بود او شهسوار اندیشه ، خرد و ایمان ، رهنما و پیشوا رهبر اخلاق و تربیت و تعلیم بوده اولاده علی از نسل فاطمه دختر پیغمبر خدا است.

در بدخشان به پاس احترام به ناصر خسرو به او(پیر) گفته میشود، اسماعیلی های بدخشان درکنار مقدسات (اسما و صفات خداوند (ج) حضرت پیغمبر و حضرت علی (ع) گاهی نیز به نام پیر سوگند یاد میکنند این رسم تا اکنون نیز معمول است برای ارجگذاری و احترام به زحمات پیر ناصر خسرو

اسماعیلی های بدخشان زمانیکه مال و اجبات (زکات) خود را جمع آوری میکنند، اعانه ناصر خسرو که به آن (حق پیر) گفته می‌شود، هر کس نظر به قدرت و توانایی اعانه می‌پردازد، آنچه از ین مدرک حاصل می‌شود، برای مساعدت به مسولان و کارکنان امور مذهبی اختصاص می‌یابد. از نام، کینه و تخلص ناصر خسرو، اسماعیلی های بدخشان حین نامگذاری کود کان شان نیز استفاده می‌کند و در دعا های مخصوص جمع آوری زکات و اعانه (نذر قبول، مراد حاصل به دم گرم پیر ناصر) نیز یاد آوری گردیده در (مجالس روحانی) و (قندیل خوانی) ذکر از سلطان سید ناصر خسرو نیز به زبان می‌باید آنچه گفته شد گوشه های از ارجمندی مردم به ناصر خسرو است که درست او شایسته آن بوده و در خود چنین قدرشناسی است.

درسهایی حکیم که هنوز تکرار میشوند

قصیده های (منقبت) ناصر خسرو که نزدیک به هزار سال پیش گفته بود تا امروز در قرن بیست یکم با همان صلابت و رخشنده گی و اعتبار در مجالس روحانی اسماعیلی های بدخشان به گونه ای زمزمه های دلنشین (بدون موسیقی) در جماعتخانه ها و هم در مجالس گروهی و خصوصی همراه با نوای دل انگیز رباب تکرار می‌شود و این سنت در هر خانواده اسماعیلی بدخشان معمول بوده، و قصیده های ناصر خسرو و غزلیات دیوان شمس، مناجات بابا سیدنا (حسن صباح) را، با رباب به طریقه مخصوص آن که خیلی گیرا است اجرا می‌کنند.

قصیده خوانان و رباب نوازان معروف هر گاهی به گونه ای دوره در قریه ها و روستا رفته با اشعار ناصر خسرو قصیده خوانی می‌کنند در مجالس سوگواری نیز رسم قصیده خوانی معمول است، عموماً در ین رابطه شعرهای انتخاب می‌شوند که تسکین بخش بوده و غمگسار باشند.

در کنار حمد و نعت؛ (منقبت خوانی) شیوه معمول و حتا یک سنت دیر پا در بین اسماعیلی بدخشان بوده، اشعار که در وصف بزرگان دین باشد، آنرا با رباب می‌خوانند و رباب از اهمیت ویژه برخوردار بوده و در خانه های اکثر مردم آنجا دستیاب می‌شود.

فقه اسماعیلی و تعلیمات آنرا می‌تواند هر کس بگوید و بنوسید و باز گو کند اما نمی‌تواند حکمت اسماعیلی یعنی اصول عقاید باطنی و اسرار آنرا فاش کند این اصل را تنها می‌توان در مجالس روحانی خاص فرا گرفت، که من نمی‌توانم گوشه های آنرا پشکش کنم، چند نمونه بعضی اشعار که در محافل روحانی عمومی زمزمه می‌شود، این ها هستند:

از ناصر خسرو :

در ز دریای حقیقت گوهر اندرکان تست
هم تویی غواص معنی در جان جانان تست
تو به فرمان نیستی زان نیست فرمانت روا
گر تو فرمان برده فرمان حق فرمان تست

* * *

بهار دل دوستدار علی
همیشه پر است از نگار علی ..

اشعار مولانا:

تا صورت پیوند جهان بود علی بود
تا نقش زمین بود زمان بود علی بود...

از مشفق یار کندي :

حمد اول از خدای فرو اکبر یا امام
آقتدا کردم بنام پاک داور یا امام...

قصیده از بابا سیدنا (حسن صباح) :

خداندا تو سلطان کریمی
تو بسم الله الرحمن الرحیمی
بخشا بر من زار و مقصر
غفورا ، راحیما یارب به آخر...

* * *

هر دل که با رضای امام آشنا شود
بی هیچ شک نشانه امر خدا شود ...

اشعار مولانا نزار :

هرچند که من در نظر خلق نزارم
صد شکر که در عالم تحقق نظارم...

اشعار مولانا عبد السلام :

الا ای طالب وحدت همی لافی که جوایم
کلام از من شنو ، زیرا کلام الله گوییم
به مکتب خانه تعلیم شاگرد دل من شو
اگر خواهی که برویت دراسرار بگشایم... " (۴۵)

سنت قصیده خوانی بگونه جمعی (گروپی) و به گونه موسیقی همراه با رباب یک ارزش کهن مذهبی است ، که امروز انواع آن یکمقدار رشد کرده و علاقمندان بیشتر دارد.
در دعوت های روحانی مخصوص مراسم عزاداری بعد از تلاوت آیه های از کلام مجید و بخشیدن آن ، اشعار که به قندیل نامه معروف است در آن مراسم خوانده میشود، این دعوتها روحانی که یا گار ارزشمند ناصر خسرو است به آن بهای زیادی داده میشود و آن یک سنت خاص مذهبی بوده و در این مجالس نان مخصوص از گوشت گوسفند و گندم تهیه میکنند و آنرا (دیله) میگویند. نان آنرا که همان (دینه گوشتدار) است به گونه (تبرک) بعد از زیارت کردن آن نوش جان میکنند
اشعار که درین دعوت (خلیفه) مذهبی میخواند، در ختم هر مصرع آن همه اشتراک کننده گان منظم و به یکصدا (صلوات) میفرستند، خلیفه میخواند:

قندیل چراغ مصطفی را
آن نور خدای و ضحی را
پیوسته بخوان تواین دعا را
خوش گو صلوات مصطفی را... (۴۶)

اشتراک کننده گان به يك صدا مودبانه و آرام میخوانند:

اللهم صلي الله محمدا و الا آل محمد صلوت بر محمد است علي
این شعر در حدود پنجاه مصرع است که در ختم هر مصرع آن (خوش گوصلوات مصطفي را) آمده
که اشتراک کننده دعوت نیز همین درود (اللهم صلي الله محمدا و الا آل محمد صلوت بر
محمد است علي) را پیوسته همصدا با هم تکرار میکنند.

شعر دیگر که آنهم در حدود بیشتر از چهل مصرع است و مطلع آن:

ما مصطفي نـدیم

نام خوشش شنیدم

مهرش به جان خریدیم

صلوات بر محمد... (۴۷)

باز هم اشتراک کننده گان (اللهم صلي الله محمدا و الا آل محمد صلوت بر محمد است علي)
میخوانند تمام اشعار که در این مجالس روحانی خوانده میشود ، ایجاب بحث بیشتر را میکنند که از
توان این نوشته بیرون است که ما مواردی چندی آنرا که میراث های باقیمانده مکتب ناصر خسرو
هستند به معرفی گرفتیم.

www.esalat.org